

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - چارم آگست 2011

ستراتیگ - ستراتژی - ستراتژیک

خواننده ارجمندی با نام مخفف "غ. الف" از "مرکز کتاب" سؤال ذیل را متوجه این عاجز ساخته اند:

« جناب محترم دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی درود بر شما!
از آنجائیکه شما بعنوان یکی از برجسته ترین کارشناسان زبان فارسی - دری در افغانستان برآمد کرده اید و دهها مقاله در رابطه با این موضوع نوشته اید، می خواستم در رابطه با واژه «استراتژیک» از شما سؤال نمایم.
چنانچه جریان منسوب به چپ افغانستان از لغت استراتژیک به معنای پلان نظامی استفاده میکرد اما حالا این لغت توسط راست گراها معنای تازه ای پیدا کرده و به مفهوم پلان شهری بکار برده می شود.
من در فرهنگ لغات فارسی دهخدا مراجعه کردم که واژه مذکور را لشکر آرایی و سوق الحیثی معنا کرده بود ولی طرفداران کار برد این واژه معتقد هستند که واژه استراتژیک معنای وسیعی دارد و از جمله پلان شهری را نیز در بر میگیرد. بناءً امیدوارم شما در رابطه روشنی بیاندازید.

تشکر از شما

غ. الف

« (ختم سؤال)

خواننده گرانقدر سؤال کننده، جناب محترم "غ. الف":
اول از همه از حسن نظری که نسبت بدین مسکین ابراز کرده و مرا با کلمات بلندبالائی نوازش داده اید، یک جهان تشکر. باید بصراحت تام بگویم که من به هیچ وجه درخور این مراتب نوازشگرانه و بالابند نیستم. در هر صورت میکوشم به سؤال شما عزیز مراتب آتی را تقدیم نمایم:

"ستراتژی" اصلاً از کلمه یونانی قدیم στρατηγός برخاسته است که با حروف لاتینی بشکل strategós نوشته میشود و در معنای "قوماندان"، "رهبر نظامی" و "سپاهسالار" است. سلسله کارهای نظری را که یک قوماندان یا رهبری نظامی جهت انجام دادن یک وظیفه حربی براه می اندازد - از شروع تا به رسیدن به هدف - بنام "ستراتژی" مینامند. پس "ستراتژی" بررسی همه جانبه و مجموعه تدابیر نظریست که یک رهبر عسکری و یا هیئت رهبری نظامی جهت تأمین اهداف خاص نظامی، تدوین مینماید. عنوان مقاله را از سه کلمه ترکیب کرده ام:
- "ستراتیگ" (به یای مجهول) که عبارتست از شخص "قوماندان" و یا "عالم علم ستراتژی" - اسم ذات.
- "ستراتژی" و آن مجموعه امور است که یک قوماندان یا ستراتیگ جهت برآورده شدن یک هدف نظامی عملی میکند - اسم معنی یا اسم مصدر از "ستراتیگ".
- "ستراتژیک" صفت نسبی از "ستراتژی" - یعنی منسوب به "ستراتژی".

در ادبیات کلاسیک نظامی افغانستان و ایران "ستراتژی" را به تقلید از اعراب، فن "سوق الجیش" نامیده اند، که کلمه عربی و مرکب است از "سوق" و "جیش" باضافه "الف لام تعریف" عربی - "سوق" یعنی "رانند" و "جیش" یعنی "اردو" یا "لشکر" و یا "سپاه". اگر "سوق الجیش" را مُعادل "ستراتژی" قبول کنیم، در آن صورت صفت نسبی آن "سوق الجیشی"، عبارت میشود از "ستراتژیک". و چون کلمه "ستراتژیک" ذاتاً "صفت" است، نباید علامت وصفی "ی" را در آخرش آورده و "ستراتژیکی" بگوئیم؛ چنان که متأسفانه از زبان بعض کسان شنیده میشود. همان قسمی که دگر کلمات وصفی فرنگی از قبیل "کومیک" و "تراژیک" و "دیپلماتیک" و "ژورنالستیک" و "دراماتیک" را نمیتوان با "ی" نسبت دری ترکیب کرده و "کومیکی" و "تراژیکی" و "دیپلماتیکی" و "ژورنالستیکی" و "دراماتیکی" گفت؛ به عین شکل ساختن و استعمال "ستراتژیکی"، از صفت "ستراتژیک" دور از صواب است!!!

قسمی که میدانیم کلمات به مرور زمان مفهوم و مدلول خود را تغییر میدهند؛ از حالت محدود برآمده و ساحة استعمال وسیعتر و عامتر را بخود میگیرند. یا اینکه از حالت عام به خاص میگرانند. کلمه "ستراتژی" که در واقع نوعی "بازی حرب در روی کاغذ" است، مجموعه تدابیر تهاجمی و تدافعی را از پیش بررسی میکند. در یک بازی ستراتیژیک "تهاجم بر دشمن" و "دفع تهاجم دشمن" مطرح است، یعنی تأمین "بُرد" و جلوگیری از "باخت" در جنگ. پس "ستراتژی" اصلاً در جایی مطرح میگردد که "بُرد" و "بای" هر دو قابل پیش بینی باشد، خواه جنگ باشد و یا مسابقه و کدام بازی رقابتگرانه.

بلی؛ مفهوم مقوله ستراتیژی هم در مسیر زمان از قالب اولین نظامی خود بدر گردیده و امروز در ساحات مختلف بکار میرود، از اقتصاد گرفته تا ورزش و مسابقات سپورتی و حتی بازی شطرنج؛ شرط مگر اینست که در نفس آن پدیده های "فتح و شکست" هر دو تضمن شده بتواند، همان قسمی که هم در جنگ متصور است و هم در مسابقات بازیها و رقابتها.

البته مفهوم اصلی و عسکری "ستراتژی و ستراتیژیک" هنوز هم محفوظ و مصون است، ولو که در همان ساحة خاص عسکری هم، مورد استعمال وسیعتر را پیدا کرده است. اگر از طیف معمول در ساحة حربی و عسکری مثال بیاوریم، کلمه وصفی "ستراتژیک" در معانی ذیل استعمال شده میتواند:

"از لحاظ نظامی، از رهگذر عسکری، از نگاه محاروبی، به مقاصد حربی، از نگاه سوقیات عسکری و ..."

وقتی مثلاً میگوئیم که افغانستان برای اتازونی "اهمیت ستراتیژیک" دارد، بدین معناست که امریکا یا در اختیار داشتن افغانستان میتواند حریفها و رقبای موجود و آینده خود از قبیل روسیه و چین و هند را از نگاه نظامی و محاروبی در مضیقه و تنگنا و در حالت تدافعی و غیر فعال قرار دهد.

برآورده شدن هر ستراتیژی قاعدتاً از مراحل و منازل و به اصطلاح معمول اردوی افغانستان "قدمه ها"ی زودرس متعدد میگذرد. یعنی یک پلان ستراتیژیک منزلهای مختلف قصیرالمدت تکتیکی و اوپراتیفی را در نظر میگیرد. پلانهای ستراتیژیک معمولاً بصورت طویل المدت مد نظر گرفته میشوند. بی دلیل نیست که برای کلمه "ستراتژیک" مُعادلهایی از سنخ "طویل المدت" و "دوامدار" و "دیررس" و "عمومی" و "همه جانبه" و "کلی" و ... را هم به کار میبریم.

نگفته نباید گذشت که در روزگار ما کلمه "ستراتژی" خارج از مفهوم اصلی آن، یعنی اصطلاحاً در معنای "طرز العمل" و مُعادلهای آن هم استعمال وسیع پیدا کرده است.

"فرهنگستان زبان ایران" که - به فرموده استاد فرشیدورد مرحوم - در ساختن لغات "غلط و نامناسب" ید طولاً دارد، درین اواخر ترکیبات ناساز و بگفته خود شان "من درآوردی" "راهبرد" و "راهبردی" را جانشین لغات جهانی "ستراتژی" و "ستراتژیک" ساخته است، که ما دری زبانان باید از استعمال آنها جداً ابا و ورزیم. "فرهنگستان زبان ایران" معمولاً نه برای پدیده های جدید، بلکه برای لغات معمول و مروج و حتی جهانی، بدیل ساخته میرود؛ و کاش بدیلهایی را بیارد که لااقل "آدم دستور" و مطابق به دستور زبان دری و فارسی و مبتنا بر علم و فن "لغتسازی" باشند.

عالم علم "ستراتژی" را در زبانهای مختلف فرنگی به اشکال مختلف ارائه میکنند. در زبان المانی مثلاً در هیئت "Stratage" که من به اقتفاء از آن هم همین را در عنوان مقاله نهادم. و همین شکل "ستراتیگ" (به یای مجهول) به اصل یونانی آن هم نزدیکترین شباهت را میرساند. المانها گویا همان اصل یونانی را مدار اعتبار قرار داده اند. انگلیسها مگر کلمه Strategy "ستراتجی" را معیار دانسته و عالم این علم را "Strategist" "ستراتجست" مینامند. کلمات "ستراتژی" و "ستراتژیک" را که ما مردم استعمال میکنیم، ناشی از استعمال فرانسوی این مقولات است. اگر در مورد ترتیب نوشتن این کلمات چیزی گفته شود:

در فونتیگ زبان دری و فارسی کلمات معمولاً با "حروف متحرک" شروع گردیده و با "حروف ساکن" ختم میگردند*. کلمات "ستراتژی" و "ستراتژیک" که از زبانهای اروپائی برخاسته اند، با "حرف ساکن اول" آغاز مییابند. من شخصاً طرفدار همین طرز تلفظ و نوشتن استم و آوردن الف و کسره را در اول آن ولو که معرف

"حرکت حرف اول" و گویا مطابق به "مزاج زبان دری و فارسی" هم باشد، قرین صواب نمیدانم. درست است که در زبان ادبی خود حرف ساکن را در اول کلمات استعمال نمیکنیم، مگر در زبان محاوره و عوام ما - تا جایی که از مطالعه دوامدار زبان عامیانه دری کابلی دریافت کرده ام - بعض کلمات را برخلاف زبان ادبی، با حرف اول ساکن استعمال مینمائیم؛ مثلاً:

"جوان (Jwán) و خوار (Khwár) و پس تلفظ کردن کلمات با "حرف اول ساکن" در زبان دری برای ما کدام کار عجیب و غریب هم نیست!!!!!!

از طرف دیگر وقتی زبان ما و زبانهای دیگر عالم از یکدیگر تأثیر میپذیرند و بمرور زمان حتی "صرف و نحو" خود را هم تغییر میدهند، چرا به مقابل استعمال "حرف ساکن" در اول کلمات - آن هم کلمات خارجی - از خود حساسیت نشان بدهیم؟؟؟ استادان بزرگ دستورنویس ایران از قبیل "داکتر خلیل خطیب رهبر" و استاد بزرگوار "داکتر خسرو فرشیدورد" - که روانش شاد باد - متأسفانه بدین نکته توجه نداده اند!!!

عین قاعده را بهتر است که در مورد کلماتی از قبیل "سپورت و ستودیوم و ستودیو" "سکوت" (خارندوی) و اسمای خاص فرنگی مثل "ستراسبورگ (ستراسبورگ) و ستالینگراد و ستوکولم و شتوتگرت و غیرهم" مراعات نمائیم.

نکاتی که در بالا ارائه گردید، فقط ناظر بر "شرح لغوی" کلمه است و نه بر اساس علم عریض و طویل در عرصه نظامی این مقوله. امیدوارم که مراتب مختصر فوق قناعت پرسنده عزیز را بار آورده باشد.

توضیح*:

گفتم که در زبان دری و فارسی کلمات با "حروف متحرک" شروع گردیده و با "حروف ساکن" ختم میگردند. شاید عزیزی بپرسد که کلمات "نامه و جامه و خامه و رمه و ... و کلمات مشتقی از قبیل "گذشته و نوشته و نویسنده و نماینده و ..." یعنی کلمات مختوم با "های غیرملفوظ" چطور؟؟؟

در جواب مختصراً باید گفته شود که حرف "های غیرملفوظ" یا "های مختفی" که همیشه در آخر کلمات می آید، مُعَرَّف حرکت فتحه "حرف ماقبل آخر" (در فارسی ایران "کسره حرف ماقبل آخر") کلمه است؛ نه حرف آخر آن!!! درین مورد ضمن مقالات ذیل به تفصیل سخن گفته ام:

- "مشکلات املائی در زبان دری" - قسمت اول؛ مؤرخ 28 جنوری 2009، لنک ذیل:

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/012909-KM-Moshkelaat-e-Emlaa' ee-Bakhsh-e-.\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/012909-KM-Moshkelaat-e-Emlaa' ee-Bakhsh-e-.[1].pdf)

- "به جواب نوشته جناب جان محمد" مؤرخ 18 فیروزی 2009 با لنک ذیل:

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/022009-KM-Ba-Jawaab-e-Jaan-Mohammad\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/022009-KM-Ba-Jawaab-e-Jaan-Mohammad[1].pdf)

هر دو مقاله را در آرشیف معروفی و آرشیفهای "ادبی - فرهنگی" در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میتوان دریافت.